

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نشریه پیشرو شماره ۴۴

ملالی، یکتا از شاگردان داد نورانی

۰۴ اگست ۲۰۱۲

برخورد علمی با مسئله زن

کشور ما در مناسبات میان مرد و زن پیچیدگی‌های خاصی داشته و دشواری‌های زیادی در عرصه‌های مختلف همواره زنان را تهدید می‌کند. مبارزه برای حقوق زن و رهایی زنان از ستم روز افزونی که بر گرده آنان سنگینی می‌کند، از شعارهای روز پسندی بوده که زینت بخش سرلوحه اکثر سازمان‌ها، انجمن‌ها، انجوها و نهادهای به اصطلاح مدافع حقوق زنان شده و هر یکی به زعم خود در این راه تلاش می‌کنند.

زننده یاد "داد نورانی" از جمله کسانی بود که در مورد زنان و رهایی آنان از بند ستم‌های گوناگون دیدگاه علمی داشت. او عقیده داشت که مشکلات زنان کشور بخشی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه می‌باشد که رابطه ناگسستگی با مشکلات سایر زحمتکشان افغانستان دارد و تا زمانی که جامعه در کل از این مشکلات رهایی نیابد، زنان به تنهایی قادر به بیرون رفتن از این همه مصایب و بدبختی نخواهند بود.

"نورانی" باور داشت که مصائب و مشکلات زنان افغان زمانی حل خواهد شد که آنان به خود آگاهی سیاسی رسیده و در کنار سایر بخش‌های اجتماعی و در وحدت و همبستگی با طبقات زحمتکش کشور به حقوق خود دست یابند.

او می‌گفت: "زنان هیچ‌گاه با سخاوت و الطاف دیگران و در محافل پر زرق و برق نخواهند توانست به حقوقشان دست یابند. آزادی و حق چیزی نیست که انتظار داشت تا دیگران به تو عنایت کنند بلکه حق به مبارزه و اعمال زور به دست خواهد آمد و این زمانی میسر خواهد شد که زنان به خود آگاهی و خود باوری لازم برسند."

"نورانی" از سازمانها و تشکلاتی که از زنان استفاده ابزاری نموده و ظاهراً با عنوان کردن حقوق زنان می‌خواهند به پول‌های کلان و اهداف کاسبکارانه برسند، به شدت متنفر بود. به باور وی اینگونه تشکلات خیانت بزرگی را به زنان روا داشته و آنان را از مسیر اصلی مبارزه شان منحرف می‌سازند.

"نورانی" با نوشته‌هایش ترفندهایی را که باعث اغفال زنان می‌گردید، افشاء می‌کرد؛ از عناصر و افرادی که در تشکلات به ظاهر "چپ" و "انقلابی" خزیده و از زنان شان به خاطر نداشتن پسر به مثابه ماشین چوجه کشی استفاده نموده و با یک درجن اولاد خود هنوز ادای رهبری این تشکلات را می‌نمودند، به شدت انتقاد می‌کرد.

زنانی که با "نورانی" در دفتر همکار بودند به صداقت او در امر مبارزه برای دستیابی به حقوق شان باور داشتند. این مسأله زمانی به باورم تبدیل شد که بعد از مرگ زنده یاد ویژه شماره پیشرو را به دفتر بردم. همکاران وی به مجردی که از انتشار نشریه پیشرو آگاه شدند، برای دریافت آن هجوم آوردند، هریکی در مورد اوصاف "نورانی" چیزی می گفت؛ خانم مسنی که به نظر می رسید یکی از خدمه های آن اداره بود نفس زنان وارد شد، گفتمش چرا دویدید؟ به جوابم گفت "تشویش داشتم که مبدا دیر برسم و یک شماره هم دستگیرم نشود" گفتم "نورانی" را زیاد دوست داشتید؟ در پاسخم گفت: "مرحوم "نورانی" بهترین دوست، برادر و انسان خوبی بود که هر زمان به اداره می آمد با همه صمیمیت داشت و از احوال و مشکلات ما پرسان می کرد، جای "نورانی" را هیچ کس نمی تواند پر کند." خلاصه هر یکی در مورد "نورانی" با تأثر و اندوهی که گویا عزیز ترین دوست خود را از دست داده باشند احساس خود را بیان می کردند؛ یکی از او به عنوان انسان مهربان و دلسوزی یاد می کرد که دانش خود را به خدمت دیگران قرار داده و از رهنمائی صادقانه دریغ نمی کرد؛ دیگری او را انسان فراقومی توصیف می کرد. زنی از همکاران "نورانی" گفت: "انسانهای فراقومی در وطن ما زیاد است اما "نورانی" انسانی بود که مرز جنسیتی را از بین برده بود و فرقی میان زن و مرد قایل نبود، و زنان را به نیروی واقعی شان باورمند می ساخت."

در یک کلام می توان گفت داد "نورانی" انسان مبارز و وطن دوستی بود که لحظه ای از درد و اندوه مردمش غافل نبود، انسان زحمتکش را دوست داشت و زندگی را برای دیگران می خواست، رنج دیگران به خصوص زنان زحمتکش را بیش از دیگران درک می کرد. با آنکه کمبود "نورانی" در میان همه دوستانش به شدت حس می شود، ولی اثرات آموزنده ای که او بر طیف وسیعی از همفکران، همکاران و دوستانش در نقاط مختلف افغانستان و اقشار گوناگون مردم به جا گذاشته است، حضور او را جاودانه کرده است.